



۱۰ جولای، ۲۰۲۳

داکتر عبدالرحمن زمانی

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُتر علیه رژیم خاندانی نادرشاه (۲)

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

اوضاع سمت مشرقی کشور قبل از جنگ صافی ها:

مهمترین رویداد قبل از قیام صافی های کُتر در سمت مشرقی آغاز کمپاین احصائیه برای مکلفیت عسکری و تلاش های قبولاندن سیستم عسکری جبری بر اقوام سمت مشرقی بود. محمد هاشم خان صدراعظم خودش در رأس این کمپاین قرار داشت. او برای رسیدن به این هدف، باوجودیکه از تمام شیوه ها، وسایل و امکانات دست داشته اش استفاده نمود، ولی باز هم به نتیجه نرسید. ماجرای مهم دیگر هم ترس هاشم خان از عکس العمل اقوام مشرقی در رابطه با موافقت حکومت با انگلیس ها و آوازه ساختن استحکامات نظامی در مناطق مهم و حساس این ولایت بود. محمد هاشم خان تمام زمستان سال ۱۳۲۳ را در ننگرهار سپری نموده و درین مدت از اشخاص بانفوذ و پر قدرت دیگری هم خواست تا در وقت ضرورت به جلال آباد رفته به او یاری رسانند.

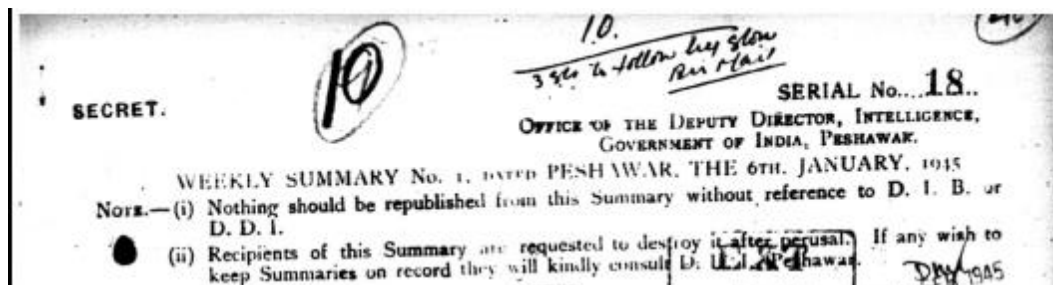
اقدامات هاشم خان صدراعظم برای جلوگیری از انتشار قیام خُدران به سمت مشرقی:

برویت اسناد موجود، هاشم خان به مشوره مجلس خاندانی و استفاده از تجارب حاصله رژیم خاندانی از قیام اقوام سمت جنوبی، برای جلوگیری از انتشار قیام خُدران به سمت مشرقی و حفظ سلطه خاندان حاکم، به تقویت قوای نظامی پرداخته و دست به اقدامات ذیل زد:

۱. استفاده از روحانیون و پخش تبلیغات علیه غازی امان الله خان:

هاشم خان با روحانیون و اشخاص متنفذ ملاقات نموده و مراقب فعالیت های طرفداران غازی امان الله خان بود. (آرشیف انگلستان، خلاصه راپور هفته وار دفتر معاون ریاست استخبارات حکومت هند بریتانوی (شماره ۱، مؤرخ ۶ جنوری ۱۹۴۵). این ترس هاشم خان از فعالیت هواداران غازی

امان الله خان مبنی بر آوازه های بود که گویا وی (هاشم خان) در نظر دارد با کار ساختمان تاسیسات دفاعی در بعضی از مناطق آن ولایت، با پیشنهاد انگلیس هاموافقت کند. علت این اقدام جلوگیری از مخاصمت احتمالی روس ها بعداز ختم جنگ جهانی قلمداد شده است. این شایعات احساسات ضد انگلیسی اقوام را شورانده و خواب را از چشمان صدراعظم ربوده بود. چنانچه درین سند محرمانه آرشیف انگلستان به آن اشاره شده است :



ترجمه :

«محرمانه»

شماره مسلسل ۱۸

دفتر معاون ریاست استخبارات

حکومت هند بریتانوی، پشاور

خلاصه هفتگی شماره ۲، مؤرخ ۱۳ جنوری ۱۹۴۵ پشاور

یادداشت : الف - هیچ قسمت این خلاصه نباید بدون مراجعه به دفتر ریاست استخبارات و یا دفتر معاون ریاست استخبارات دوباره نشر شود.

ب - از دریافت کنندگان این راپور تقاضا میشود تا بعد از مطالعه آنرا از بین ببرند. کسانی که خواهان ثبت این راپور باشند، لطفا با دفتر معاون استخبارات پشاور مشوره کنند. «

ترجمه قسمت دوم :

راپور های اخیر میرسانند که صحت صدراعظم درین اواخر خوب نبوده و اینکه او توسط دکتوران شفاخانه جلال آباد معاینه شده است .

شیر آغا، نقیب چهارباغ بتاریخ هشتم جنوری با صدراعظم صحبت نمود. گزارش داده شده است که او [نقیب] راجع به فعالیت های امانیست ها در این ولایت هوشدار و مشوره داده است تا در تمام کشور تبلیغات ضد امان الله [خان] را پخش کند.

در راپور بعدی انگلیس ها آمده است که: «بنظر میرسد صدراعظم مشوره نقیب چهارباغ را قبول نموده و در ولایت مشرقی و «کتواز»، جاهائیکه نفوذ امانیست ها شایع تراست، مصروف پلانگذاری تبلیغات ضد امان الله [خان] و به نفع یحیی خیل [آل یحیی / خانواده حاکم] میباشد.» (خلاصه راپور هفته وار دفتر معاون ریاست استخبارات حکومت هند بریتانوی (شماره ۳، مؤرخ ۲۰ جنوری ۱۹۴۵).

در یک سند دیگر در همین رابطه میخوانیم که «بتاریخ نهم جنوری [هاشم خان] با نظام الدین خان و بزرگان دیگر جدیدی نورستان (کافرستان [قبلی - زمانی]) که به جلال آباد خواسته شده بودند، صحبت نمود. او به این بزرگان پول، انعام و هدایت داده است تا در بین مردم خویش این تبلیغات [علیه غازی امان الله خان] را پخش کنند. در دوران هفته گذشته او [هاشم خان] ملا های قسمت های مختلف ولایت [مشرقی] را احضار و به آنها بادن خلعت و پول دستور انتشار پروپاگند های شبیه را داده است.» (خلاصه راپور هفته وار دفتر معاون ریاست استخبارات حکومت هند بریتانوی (شماره ۳، مؤرخ ۲۰ جنوری ۱۹۴۵).

در هفته های بعدی ماه فبروری سال ۱۹۴۵ باز هم هاشم خان کوشید با استفاده از وسایل مختلف اقوام سمت مشرقی را به قبولی سیستم جدید عسکری اجباری و ادار سازد. درحالیکه عده از سران قومی خوگیانی و شینواری میکوشیدند بمقابل فشار محمد هاشم خان صدراعظم یک جبهه متحد بسازند، هاشم خان از سه نفر روحانیونی که در سمت مشرقی از دیگران نفوذ بیشتر داشتند، خواست تا اندیشه های وفاداری به خاندان حاکم (آل یحیی یا یحیی خیل) را تبلیغ و بصورت جدی از اقوام آن ولایت بخواهند نظام عسکری جدید را قبول کنند.

در نماز جمعه نهم فبروری یک نفر مولوی که در منطقه «پیکه» شینوار به حمایت از سیستم جدید عسکری تبلیغ نمود، از طرف مردم از مسجد و منطقه رانده شد. در همین هفته حاکم رودات هم از مردم تقاضا نمود تا سیستم جدید عسکری را قبول کنند، اما عکس العمل مردم در زمینه منفی بود.

۲. ارسال مامورین عالیرتبه و متنفاذ به سمت مشرقی

— محمد شاه خان، رئیس استخبارات [ضبط احوالات]، بعد از آنکه توسط صدراعظم به جلال آباد احضار شد، بتاریخ هشتم جنوری کابل را ترک گفته و به فردای آن بعد از صحبت با صدراعظم

هدایت یافت تا راپور فعالیت‌های عناصر ضد انگلیس درین ولایت، بخصوص وادی گنر را بررسی نماید. محمد رفیق، مامور شفر و ایجنت استخبارات صدراعظم فرستاده شد تا چنین تحقیقاتی را در منطقه اسمار انجام داده و گفته شده است که او از باجور و منطقه قبایلی مهمند نیز بازدید خواهد نمود. (خلاصه هفتگی شماره ۲، مؤرخ ۱۳ جنوری ۱۹۴۵ پشاور).

[قابل یادآوریست که به اساس اسناد آرشیف انگلستان منطقه ستراتیژیک اسمار یکی از پایگاه‌های مهم عناصری بود که از دوران امیر حبیب الله خان به نفع انگلیس‌ها فعالیت نموده و اعضای یک خانواده روحانی [؟] که بنام سید و پاچا و پیر از دوران لشکر کشی امیر عبدالرحمن خان به نورستان درین منطقه حساس کنرجابجا شده بود، درین رابطه نقش مرکزی داشته و در دوران قیام صافی‌های کمر نیز با هاشم خان همکاری بسیار نزدیک داشتند - زمانی].

- شایعاتی که احتمالاً توسط پروپاگاندچیان طرفدار کشور های محور پخش شده است، در ولایت مشرقی گزارش داده شده است. به اساس آن حکومت افغانستان می‌خواهد به انگلیس‌ها اجازه دهد تا برای جلوگیری از احتمال مشکلات آینده با روس‌ها، در داخل قلمرو افغانستان تاسیسات دفاعی اعمار کند. گفته میشود که [دوتن از]ملکان برجسته، سید المر افریدی و امین خان کوداخل مهمندبه صدراعظم طی ارسال مکاتیبی اظهار داشته اند که قبایل شان از دادن چنین امتیازاتی به انگلیس‌ها در داخل افغانستان ابراز خشم نموده اند. (همانجا)

- وزیر دربار احمدشاه خان هم به هدایت شاه به جلال آباد رفت تا هاشم خان را در کارهایش یاری کند. او به همین سلسله بتاریخ ۲۸ جنوری به همراهی صدراعظم از چهار باغ برای دیدن نقیب بازیدنمود. وزیر دربار با نقیب از طریق ازدواج خویشاوندی دارد. (همانجا)

- فرقه مشر طره باز خان [قوماندان امنیه یا کوتوال کابل] هم بعد از آنکه صدراعظم از منطقه شینوار و گنر پایان بازدید نموده، به جلال آباد خواسته شد تا با وی همکاری کند. گزارش مؤرخ ۲۴ فبروری استخبارات انگلیس حاکیست که صدراعظم، طره باز خان صافی قوماندان ژاندارمه رامؤظف ساخته است تا بکوشد قوم صافی را به قبولی سیستم عسکری جدید تشویق کند.

- شاه محمود خان وزیر حربیه هم به اساس گزارش مؤرخ ۲۴ فبروری به خواست برادرش هاشم خان به جلال آباد آمد تا با استفاده از شناخت و نفوذش در قبایل مشرقی صدراعظم را کمک کند. سردار شاه محمود خان از ۲۲ ماه اگست سال ۱۹۲۶ بحیث نایب الحکومه جلال آباد مقرر و تا ماه مارچ سال ۱۹۲۸ در آنجا کار کرده بود.

در راپور استخبارات انگلیس در مورد مصروفیت های شامحمود خان وزیر حربیه آمده است که «

وزیر حربیه به همراهی فرقه مشر پیر محمد خان به جلال آباد آمده و انتظار می‌رود برای چند هفته در ولایت مشرقی باقی بمانند. فراموش نشود که فرقه مشر پیرمحمد خان در بهار سال ۱۹۴۴ به منطقه خدران فرستاده شده بود تا با استفاده از نفوذش به نمایندگی از حکومت با مزرک [مزرک خان پسر ببرک خان خدران - زمانی] رهبر مخالفین دولت مذاکره کند.»

جنرال میر احمد خان مولایی در خاطرات خویش می‌نویسد که «شاه محمود خان آمدند. عزم سفر گنر ها نمودند و به معیت شان سردار اسد الله خان و پیر محمد خان فرقه مشر و صلاح جان پسر شان بودند، شب اول به چغه سرای، فردا میخواستند دره پیچ بروند چنانچه چند راس اسب از اسمار خواسته شده بود. باران شدید بارید و راه ها را خراب ساخته بود، از رفتن منصرف شدند. روز دیگر نان چاشت را به بریکوت خوردند. شب به اسمار ماندند از اسمار روز دیگر حرکت و چاشت را گنر خاص گذشتاندند. از دیدن قطعات اسمار و گنر اظهار خوشی کردند..... یک مقدار پول به قطعات اسمار و گنر خاص بخشش دادند. (جنرال میر احمد خان مولائی، خاطرات و تاریخ، ص ۴۷۶)

– فرقه مشر محمد داؤد خان قوماندان قوای مرکز کابل: «صدراعظم برادرزاده اش، فرقه مشر محمد داؤد خان، را به جلال آباد خواست تا در تصفیة داره ملکی و نظامی و افتتاح سیستم جدید خدمت عسکری به اساس احصائۀ نفوس، در بین قبایلی که تا هنوز به قبولی آن تن در نداده اند، با او کمک کند». همین راپور میرساند که «محمد داؤد خان به خشونت شهرت داشته و وارد شدن او به صحنه به نگرانی اقوام افزوده و آنرا نشانه تصمیم هاشم خان به قبولاندن جبری سیستم جدید عسکری بر آنان میدانند. محمد داؤد خان بعد از آمدنش چندین مرکز نظامی را در قسمت شرقی ولایت تفتیش نموده است.» (گزارش شماره نهم، مؤرخ ۳ مارچ ۱۹۴۵ استخبارات انگلیس).

۳. بازدید های مکرر از مراکز عسکری

– «صدراعظم خودش بتاريخ ۲۳ فیروری با گروهی از افسران نظامی از گنر بازدید نمود.» «او یک روز بعد بتاريخ ۲۴ فیروری با فقه مشر محمد داؤد خان، وزیر دربار [احمد شاه خان] و فرقه مشر طره باز خان مشوره نمود. او به پادشاه گل هم یک مقدار پول فرستاد.»

– در همین هفته یک گروپ شش نفری پیلوتان افغان از دره گنر تا ساحه بریکوت بازدید نموده و دوباره به جلال آباد برگشتند.

در گزارش استخبارات انگلیس آمده است که «محمد داؤد خان هم هفته گذشته از همان منطقه [گنر] بمنظور تشویق صافی ها برای قبولی سیستم جلب عسکری به اساس احصائیه نفوس، بازدید

نمود. اما اکثریت صافی ها از حضور در مجلسی که تعداد کمی در آن شرکت نموده بود، خودداری نموده و او بدون مؤفقتی به جلال آباد گشته است. او در آخر هفته به کابل برگشت.» .

اما جنرال میر احمد خان مولایی در خاطرات خویش این سفر داؤد خان رامؤفقانه خوانده می نویسدکه: "سردار محمد داؤد خان با من نظر خوب داشت. همیشه در مسافرت هایی که در مشرقی مینمود، با ایشان بودم. چنانچه در سفر گنر ها که رفقای هم سفرش، غلام حیدر خان عدالت، ولی جان پسر کاکایش، و شاه عبدالله خان بدخشی همراهش بود. این سفر یک هفته طول کشید. از چغه سرای و گنر خاص و بریکوت دیدن کردند، همه جا و در اکثر موارد نظر مرا می پسندید. در هر جا به گرمی استقبال میشد. در حین باز گشت بر رباط چوکی که نفر های دیوه گل و بادیل و خود چوکی جمع شده بودند در اطراف ملک ماموند و بعضی ریش سفید های صافی بعضی شکایت ها از طرف حکومت و پیش آمد مامورین نمودند، [داؤد خان] خوشش نیامد. اگر چه میخواست برای گرفتاری ملک ماموند و حیدر خان امر بدهد عرض کردم شما به حیث مهمان آمده اید، فعلا خوب نیست. نان را خورد و حرکت کرد."

۴. تصفیه مامورین بلند رتبه اداری ولایت

رژیم خاندانی ضمن مصرف پول گزاف برای قبول کردن سیستم جدید عسکری توسط شینواری ها و اقوام دیگر به تصفیه مامورین بلند رتبه اداری سمت مشرقی هم پرداخت. هاشم خان و سردار داؤد خان در دوران مصروفیات شان در ولایت مشرقی با مامورین دولتی به شمول مامورین عالیرتبه برخوردار بسیار خشن و توهین آمیز داشته و تاب تحمل آنهایی را نداشتند که در تطبیق خشونتبار پلانهای خاندان حاکم از شدت و خشونت آن دوسردار پیروی نمیکردند. درین جا یکی دو نمونه از خاطرات جنرال میر احمد خان مولائی را ذکر میکنیم که در پست قوماندان فرقه مشرقی با هر دو سردار ارتباط کاری بسیار نزدیک داشت (جنرال میر احمد خان مولائی، خاطرات و تاریخ، جلد دوم، صفحات ۴۷۰ و ۴۷۱):

«در برج قوس سردار محمد هاشم خان اولین بار از سرک تنگی ابریشمین، جلال آباد آمدند. قطعات عسکری و اهالی و مامورین به جنگل باغ، شمال ششم باغ، که یک میدانی بود، مرکز تجمع قرار داده شد. من و نایب الحکومه الی آب ورک که خط فاصل ولایت کابل و مشرقی بود، رفتیم... برای نایب الحکومه صاحب فرمودند: چرا تا اینجا آمده اید؟ و این گفتار شان تشددآمیز بود. به هر حال با همه مصافحه کردند، بدون اینکه یک کلمه حرف بزنند، به موتر سوار شدند حرکت کردند. در حد کچ عزیز خان با یک جمع غفیری از اهالی لغمان با حکمران و مامورین استقبال کردند و گل ها

پاشیدند. سید حیدر کاتب تحریر حکومت کلان، یک دسته گل جعفری با غوزه های آن را می خواست بالای سر شان بیندازد، تقریباً به پس گردن صدراعظم به شدت اصابت کرد. در این جا صدراعظم بسیار عصبی شد، کلمات رکیک و سخت گفتند، به نایب الحکومه گفت : ازین که به آب ورک آمده بودی همانجا بودید، انتظام میکردی، نمی گذاشتی عوض گل مرا به ساچمه استقبال کنند. بعد از آن بالای عبدالخالق خان حکمران قهر شد و گفت تمام چیزهای که می کنید خبر دارم، همه چیز در محل تفتیش و بازپرس قرار داده میشود.

دیری نگذشت که حکمران لغمان نتیجه گستاخی استقبال با گل های جعفری را دیده از وظیفه سبکدوش و روانه زندان شود.

تصفیه مامورین شامل موارد ذیل نیز بود:

- دستگیری کندکمشر غلام حیدر خان از اداره پولیس جلال آباد
- برطرفی سراج الدین خان حکمران کنر ها و تقرر سید عباس پاچا از چهارباغ لغمان بحیث حاکم کلان جدید کنرها
- سبکدوشی حاکم سرخورد از وظیفه و تقرر سید ابرار بحیث حاکم جدید
- برطرفی سرحدار عبدالغفار خان از سرحداری «دکه» و بعداز مدتی فرستادنش به زندان دهمزنگ
- برکناری عبدالرزاق خان (پدر داکتر عبدالصمد خان حامد) از پست ولایت و تقرر عبدالله خان وردک حاکم کلان شینوار بحیث والی جدید سمت مشرقی در پهلوی این تصفیه در تشکیلات اداری نیز تغیر و تبدیلاتی رخ داد:
- حکومتی های خوگیانی و سرخوردتحت اداره یک حکومتی کلان (حکمرانی) قرار گرفتند
- لغمان، نورستان و کنر پایان تا شیوه هم در تشکیلات یک حکمرانی درآمدند
- بدین ترتیب، سمت مشرقی درین وقت شامل چهار حکومتی کلان بود:

۱. کنر و اسمار

۲. لغمان (شامل شیوه، شگه و نورستان)

۳. خوگیانی و سرخورد

۴. شینوار

درین جا خالی از دلچسپی نخواهد بود تا یک نمونه دیگر برخوردار هاشم خان را هم درین جا ذکر

کنیم . این رویداد سئوژن هاشم خان در دوران بازدید از غنی خیل شینوار بوده و جریان ازین قرار بود که سردار هاشم خان به همراهی نائب الحکومه عبدالرزاق خان و قوماندان فرقه برای بازدید از قشلهٔ عسکری و ملاقات با بزرگان شینوار به غنی خیل می‌رود. در آنجا صدراعظم با مردم شینوار که با بیرق ها و دهل ها به سرکردگی ملکان و خوانین، تحت هدایت عبدالله خان وردک که در ابتدا ایستاده بود، احوال بررسی نموده و بعد از قبولی رسم احترام قطعاً عسکری ، رسم گذشت و معاینهٔ قشلهٔ عسکری برای صرف طعام به بام قشله رفته و برای نائب الحکومه میگوید که شصت نفر از خوانین شینوار هم برای نان بیایند. حکمران هر قدر کوشش میکند، شینواری ها شصت نفر بیایند، آنها قبول نمیکنند، تا اینکه خود جنرال میراحمد خان آنها را قناعت داده بالای دسترخوان می آورد. هاشم خان که مراقب این رویه و نفوذ قوماندان فرقه بود و معلومات او راجع به قریه جات منطقه را هم مشاهده نمود، مشکوک میشود. فرقه مشر میراحمد خان راجع به سئوژن هاشم خان و گفت و گوی روز بعدشان در جلد دوم خاطرات شان معلومات مفصل داده اند.

در جملهٔ تغییرات دیگر اداری رژیم خاندانی تصمیم گرفت تا «برای کنترل بیشتر بر اقوام، که ستون فقرات مقاومت را تشکیل میدهند، مراکز اداری شینوار را دوباره از «غنی خیل» به «کهی» انتقال دهد». (خلاصهٔ راپور هفته وار دفتر معاون ریاست استخبارات حکومت هند بریتانوی (شمارهٔ ۶، مؤرخ ۱۰ فیبروری ۱۹۴۵).

۵. توسل به زر و زور و زاری رژیم خاندانی

– بتاريخ دهم ماه فیبروری چند تن از ملکان خوگیانی از مناطق «زاوه» و «وزیری» خوگیانی بازدید نموده و کوشش ناکام نمودند تا ثبت نام احصائیهٔ نفوس را آغاز کنند.

– «[صدراعظم] با ایراد بیانیه در مسجد شاهی جلال آباد توجه حاضرین را به مزایای حاصله تحت رژیم یحیی خیل جلب و شنوندگان را تشویق نمود تا تبلیغات به نفع شاه سابق، امان الله [خان]، را بی اساس بدانند. (ب) راپور ها حاکیست که مقدار قابل توجه پول در بین قبایلی توزیع شده است که تا حال با جلب عسکری مطابق سیستم جدید احصائیه مقاومت نشان داده اند».

– در خلاصهٔ راپور هفته وار دفتر معاون ریاست استخبارات حکومت هند بریتانوی (شمارهٔ ۶، مؤرخ ۱۰ فیبروری ۱۹۴۵) میخوانیم که «سیاست رشوه دهی عاقلانه و آزمایش شده او به نتیجه دادن پرداخته است . بعضی از رهبران خوگیانی قبلاً تعهد مقاومت به مقابل خدمت اجباری عسکری

شان با شینواری ها را شکستانده اند. صدراعظم مشتاق است این سیستم جدید را برای اقوام جذاب تر ساخته و درین رابطه نظریات منصبداران عالیرتبه نظامی ولایت [مشرقی] را خواسته است .

– هاشم خان بتاريخ ۱۴ فبروری وکلای شورای ملی سمت مشرقی را برای مذاکره فراخوانده و راجع به موضوع عسکری صحبت نمود. وکلا مشوره دادند تا صدراعظم درین رابطه با سران هر قوم مذاکره کند.

– هاشم خان بتاريخ ۱۵ فبروری با سران قوم خوگیانی در رابطه با این موضوع صحبت نمود. اودر همین هفته همچنان به دادن رشوه برای خریداری حمایت سران قبایل ادامه داد. او یک جرگه سران قوم افریدی را هم به جلال آباد فراخوانده و از آنها خواست تا بیرق های راکه غازی امان الله خان به آنها داده بود به معرض نمایش قرار دهند، اما آنها از ترس اینکه مبادا هاشم خان این بیرق ها را مصادره کند، از اجرای این دستور سرباز زدند.

– هاشم خان بتاريخ ۱۹ فبروری با حاکم «کژه» و ملک قیس خوگیانی راجع به آغاز سیستم جدید عسکری صحبت نموده و یک روز بعد از آن از یک جرگه قوم خوگیانی خواست تا این نظام جدید را قبول کنند.

۶. تهدید و توقیف و تبعید کسانی که پالیسی های رژیم خاندانی را قبول نمیکردند

یک راپور دیگر استخبارات انگلیس ها در همان هفته حاکیست که سیاست «زر» و «زور» یا تطمیع و تهدید هاشم خان نتیجه داده و او موفق شده است با دادن رشوه و تحایف، و گرفتاری و تبعید کسانی که خواست هایش را قبول نکنند، بین سران قبایل شینواری و خوگیانی نفاق تولید کند.

– « (الف) بنظر میرسد که صدراعظم با ترغیب و هدیه پول موفق شده است در بین جبهه مشترک اقوام شینواری و خوگیانی علیه تحمیل هشت نفری، رخنه ایجاد کند. گزارش داده شده است که بعضی از اعضای قبیله خوگیانی حال به طرف ثبت نام [احصائیه] میلان بیشتر پیدا کرده اند». (همانجا)

– (ب) گزارش داده شده است که صدراعظم حکم تبعید [جلا وطنی] میرزا محمد از «چپلیار» به مزار شریف را صادر نموده است . این شخص به اتهام فعالیت های ضد حکومت گرفتار شده است . ملک جیلانی چپرهار هم به همین اتهام دستگیر شده است . گزارش علاوه میکند که کندک مشر غلام حیدر [خان] پولیس جلال آباد هم به اتهام تحریک مخالفت با کمپاین جلب عسکری اجباری دستگیر، جایدادش در بهسود مصادره و خودش به هرات تبعید شده است». (همانجا)

– گرفتاری ملک قیس خوگیانی از جمله اولین اقدامات حکومت پس از رفتن هاشم خان به کابل بود. جنرال میر احمد خان مولایی قوماندان فرقه مشرقی در خاطراتش می نویسد که " زمستان به پذیرایی و مهمانداری گذشت . در بهار یک یک جلال آباد را ترک و به کابل رفتند . عبدالله خان وردک به حیث کفیل نایب الحکومه مقرر شدند . در اول وهله بعد از رفتن صدراعظم صاحب ، ملک فیض [ملک قیس] و برادرانشانرا گرفتار کردند . چنانچه یک شب ، نایب الحکومه صاحب تلفون داد که یک مرتبه به نایب الحکومگی تشریف بیاورید. رفتم . نایب الحکومه به یک اطاق انتظار مرا میکشید . دو بدو نشستیم . گفت وقت کم داریم . نظر به امر صدراعظم صاحب [باید] امشب ملک قیس و برادرانشانرا گرفتار کنم . شما یک کندک آماده کنید که برای ضبط کردن اموال و املاک او با یک هیئت فرستاده میشود و هم یک مرتبه شما ملک قیس و برادران شانرا ببینید . من به نایب الحکومه گفتم به این ترتیب که آنها را به مهمانی خواسته اید گرفتار کنید ، باعث بی اعتمادی مردم با دولت میشود . گفت امر مقام است چاره ندارم . من رفتم دیدم ملک قیس و برادرانش همه خوش و خرم نشسته اند . مرا دیدند به گرمی استقبال کردند . چند دقیقه بودم ، رفتم . ملک قیس گفت باشید با ما نان نوش جان کنید . گفتم مهمان دارم . خدا حافظی کرده به قشله رفتم . رئیس ارکان و غند مشر غند ۲ و دیدار علی خان کندکمشر را خواسته ، هدایت دادم . فوری کندک دیدار علی خان مجهز شد . کندک در ظرف دو ساعت آماده حرکت گردید . نایب الحکومه خودش با محمد شریف خان ، قاضی ابتدائیه ، و عبدقیوم خان ، غند مشر ژندارم به چونی آمده ، گفتند بعد از صرف نان مهمان های خود را طرف کابل حرکت دادم و خودم آمدم که کندک را بطرف هاشم خیل با این دو نفر بفرستم که تمام هستی و املاک ملک قیس و برادران شانرا ضبط و از قید سیاهه بکشند . تمام اهل و عیال شان را به جلال آباد بیاورند . با نایب الحکومه نان را صرف ، شش عراده موتر ذریعه سر مامور آورده شد . هیات با کندک حرکت کرده و با صدراعظم صاحب به کابل حرف زدند . فرمودند خواجه محمد نعیم به سروبی رسیده ، انتظار فرمان امنیه مشرقی را میکشد . ساعت دو بجه تلفون آمد که مهمان ها از طرف قوماندان امنیه مشرقی بدون کدام واقعه ، به قوماندانی امنیه کابل سپرده شد . و به طرف کابل حرکت کردند . بعد نایب الحکومه به طرف منزل خود رفت . بعد از نماز صبح یک اطلاع تلفونی از ماما خیل گرفته شد که کندک به هاشم خیل رسیده ، بدون کدام مقاومت همه قلعه های ملک قیس و برادرانش اشغال شد . غند کمکی خیبر به مرکز خواسته شد .» (جنرال میر احمد خان مولائی، خاطرات و تاریخ، صفحات ۴۷۶ و ۴۷۷).

(ادامه دارد)